بسم الله الرحمن الرحیم

عصر فضای مجازی

گزارش شماره ۲۷

خرداد ۱۳۹۹

مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی

اندیشکده سیاستگذاری
اقتصادی تهران

تاملی درباب پیشنهاد
«برتون وودز دیجیتالی پساکرونایی»

گزارش سریع که با عنوان Rapid Report شناخته می‌شود، نوعی گزارش کوتاه است که صرفاً برای اطلاع کلی از موضوع یا پدیده‌ای خاص در بازه زمانی محدود تهیه می‌شود. هدف عمده چنین گزارش هایی ایجاد تصویری اجمالی برای آشنایی ابتدایی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در موضوعات مورد علاقه آنان است.

تهیه شده در پژوهشگاه فضاي مجازي
(گروه مطالعات اقتصادی)

تهیه کننده: امیر عزیزی
(دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد
دانشگاه تهران و مشاور ارشد اقتصاد دیجیتال
اندیشکده سیاست‌گذاری اقتصادی تهران)
ناظر علمی: دکتر مهدی نوری
(دکتری اقتصاد و مدرس دانشگاه تهران)

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از آن با ذکر منبع مجاز می باشد.

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نبش
خیابان ۱۶غربی، پلاک ۲۰
تلفن: ۰۲۱-۸۶۱۵۱۰۶۱
کد پستی: ۱۵۱۵۶۷۳

فهرست

سخن نخست ۵
چکیده ۹
مقدمه ۱۵

بخش اول (اقتصاد دیجیتال و شکاف مالیاتی بین کشورها)

بخش دوم (هماهنگی دیجیتال در دوران پسا کرونایی)

بخش سوم (اقتصاد دیجیتال و تمرکز مجازی)

بخش چهارم (ضرورت برگزاری برتون وودز دیجیتال)

بخش پنجم (پنج محور دستور کار برتون وودز دیجیتال)

جمع بندی ۵۷
منابع ۶۳
پیوست ۶۷

سخن نخست

BRETTON WOODS SYSTEM

سخن نخست

فضـای مجـازی بـا شـتاب شـگرف و رو بـه تزایـدی کـه در حـال بسـط و گسـترش اسـت تمـام سـاحات اجتماعـی، اقتصـادی، سیاسـی و فرهنگـی زندگـی بشـر را درنوردیـده و هـر روز بخـش بزرگـی از زندگـی واقعـی را در خـود فـرو بـرده و حیـات متفـاوت و جدیـدی بـه آن می‌دهـد. لـذا بـه نظـر می‌رسـد دو نـگاه کلان بـه فضـای مجـازی وجـود دارد: نـگاه اول کـه بالاخـص در ابتـدای رشـد و تکویـن فضـای مجـازی مسـلط شـده بـود، آن را همچـون ابـزاری کنـار سـایر ابزارهـای بشـری تصویـر می‌کـرد کـه تنهـا طریقیـت داشـت. امـا نـگاه دوم، در نتیجـه رشـد تحـولات خیـره کننـده فضـای مجـازی و سـایه گسـتری آن در حـوزه هـا و شـئون بشـر در یـک دهـه اخیـر آن را چـون سـکویی می‌دانـد کـه بسـیار فراتـر از شـأن ابـزاری حیـات انسـان‌ها را سـامان جدیـدی داده و ادعـای تمـدن نوینـی را دارد. رویکـردی کـه از قضـا از چشـمان بصیـر رهبـر انقـلاب نیـز دور نمانـده و انتظـاری تمدنـی از فضـای مجـازی در ایـران را مطالبـه داشـته انـد.

در همیـن راسـتا گزارش‌هـای عصرفضای مجازی تـلاش می‌کند تا فهم

سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء بخشیده و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی
دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

BRETTON WOODS SYSTEM

چکیده

توسعه اقتصاد دیجیتال چالش‌های جدیدی را در عرصه حکمرانی اقتصادی، به ویژه از منظر حکمرانی جهانی، ایجاد کرده است. مدت‌ها قبل از عالم‌گیری کووید-۱۹ و به دلیل تاثیر تحول‌آفرین فناوری‌های دیجیتال ضرورت بازاندیشی در خصوص حکمرانی بین‌المللی برای جهان مبتنی بر ماهیت‌های ناملموس دیجیتال به طرز فزاینده‌ای افزایش یافته بود. به زودی، دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن نهادهای منبعث از اجلاس برتون وودز[1]، که از زمان پایان جنگ جهانی دوم به بعد از مهم‌ترین ارکان حکمرانی جهانی محسوب می‌شوند، مورد بازنگری قرار می‌گیرد. با توجه به تاثیر نظام حکمرانی جهانی اقتصاد دیجیتال بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل سایبرپایه و قدرت سایبری کشورها ضروری است، تحولات در این عرصه مورد رصد و ارزیابی قرار گیرد. اخیراً، مدهورا[2]، رئیس مرکز نوآوری حکمرانی بین‌المللی[3] به همراه اون[4] طی یادداشتی با عنوان «برتون وودز دیجیتال پساکرونایی[5]» برخی از مهم‌ترین تاثیرات اقتصادی عالم‌گیری کووید-۱۹ بر اقتصاد

1.Bretton Woods
2.Medhora
3.Centre for International Governance Innovation
4.Owen
5.A Post-Covid19- Digital Bretton Woods

دیجیتال در جهان را مورد بررسی قرار داده‌اند و با تبیین ضرورت ایجاد نظام بین‌المللی برای حکمرانی اقتصاد دیجیتال با الهام از نظام مبتنی بر برتون وودز پیشنهادهایی برای ایجاد نظام حکمرانی بین‌المللی اقتصاد دیجیتال ارائه کرده‌اند. در گزارش حاضر، مهم‌ترین مباحث مطروحه در یادداشت مذکور ارائه شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد دیجیتال، حکمرانی جهانی، دوران پساکرونا، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، قدرت سایبری

مقدمه

BRETTON WOODS SYSTEM

مقدمه

عالم‌گیری ویروس کووید-۱۹ آنچه را که قبلاً دور از ذهن به نظر می‌رسید، وارد عرصه قانون‌گذاری کرده است. دولت‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای در حال تحت تکفّل قرار دادن کسب‌وکارها و نظام‌های بهداشت و درمان هستند و در عین حال، مشغول مقررات‌گذاری[1] رفتارهای شخصی شده‌اند. اکنون، از نهادهای مالی چندجانبه مهم جهان، به ویژه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، خواسته می‌شود که برای نجات اقتصادهای در حال توسعه درگیر این همه‌گیری قوانین و مقررات معمول خود را کنار بگذارند. اما وقتی این عالم‌گیری تمام شود، حساب‌کشی بودجه‌ای[2] ضرورت پیدا می‌کند. گذشته از این، روزی موعد پرداخت صورتحساب هزینه‌های مقابله با این عالم‌گیری فرا خواهد رسید و دولت‌ها باید بسیار بیشتر از امروز مطمئن باشند که کسب‌وکارها و افراد قادر به پرداخت سهم منصفانه خود از مالیات‌ها خواهند بود. بازپرداخت هزینه‌های پرداخت شده برای مقابله با عالم‌گیری کووید-۱۹ به ویژه از طریق اخذ مالیات

1.Regulatory
2.Fiscal reckoning

در محیطی با حکمرانی[1] جهانی اتفاق خواهد افتاد که پیش از این، به دلیل تاثیر فناوری‌های دیجیتال به شکل بنیادین در حال تغییر بوده است. مدت‌ها قبل از این عالم‌گیری نیز ضرورت بازاندیشی در خصوص نهادهای بین‌المللی برای جهان مبتنی بر ماهیت‌های ناملموس دیجیتال به طرز فزاینده‌ای افزایش یافته بود. با شروع عالم‌گیری کووید-۱۹، این ضرورت به شدت در حال افزایش است و به زودی، دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن نهادهای منبعث از اجلاس برتون وودز[2]، که از زمان پایان جنگ جهانی دوم به بعد از مهم‌ترین ارکان حکمرانی جهانی محسوب می‌شوند، مورد قضاوت قرار خواهند گرفت و به احتمال زیاد ساختار آنها مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

1.Governance
2.Bretton Woods

بخش اول

اقتصاد دیجیتال
و شکاف مالیاتی بین کشورها

BRETTON WOODS SYSTEM

بخش اول

اقتصاد دیجیتال و شکاف مالیاتی بین کشورها

در حال حاضر، شرکت‌های چندملّیتی فعال در صنایع دیجیتال بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد دیجیتال را به خود اختصاص می‌دهند. این شرکت‌ها در سراسر جهان فعالیت می‌کنند، اما سود گزارش‌شده آنها به شکل خارج از تناسبی در کشورهایی متمرکز می‌شود که دارای پایین‌ترین نرخ مالیات بر شرکت‌ها هستند. در اواخر نوامبر ۲۰۱۹، تعداد زیادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مخالفت با قاعده‌ای رای دادند که شرکت‌های چندملّیتی را مجبور می‌کرد عواید مکتسبه خود در هر یک از کشورهای عضو این اتحادیه را گزارش دهند. این اقدام نسبتاً ساده و مقدماتی می‌توانست کشورهای اروپایی را قادر سازد از فعالیت تجاری شهروندان خود در بن‌سازه‌هایی[1] نظیر آمازون، فیس‌بوک و گوگل درآمد کسب کنند.

یکی از کشورهای مخالف با تغییر قاعده مذکور ایرلند بود. این کشور از مهم‌ترین گریزگاه‌های مالیاتی[2] شرکت‌های معظم صنایع دیجیتال است. سیاست‌های مالیاتی ایرلند به تشدید رقابت بین کشورها برای

1.Platform
2.Tax haven

کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها، به ویژه بر شرکت‌های چندملیتی، کمک کرده است. نیمی از کل مالیات بر شرکت‌ها که در این کشور پرداخت می‌شود تنها از ۱۰ شرکت چندملیتی حاصل می‌شود و ۲۰ تا ۶۰ درصد از درآمدهای دولت از محل مالیات بر شرکت‌ها ذیل سرفصل «سایر موارد» قرار می‌گیرد. تعریف شورای مشاوران مالی ایرلند[1] از درآمدهایی که ذیل سرفصل مذکور طبقه‌بندی می‌شوند، عبارت است از «درآمدهایی فراتر از سطحی که بر مبنای عملکرد واقعی اقتصاد ایرلند و هنجارهای تاریخی/بین‌المللی می‌توان پیش‌بینی کرد». به بیان دیگر، چون فقدان حکمرانی و هماهنگی بر اقتصاد جهانی اصول ناظر بر برابری و کارایی در رژیم‌های مالیاتی را کاملاً دچار انحراف کرده است، ایرلند بر عوایدی مالیات وضع می‌کند که در کشور یا کشورهای دیگری کسب شده‌اند. این تنها یک نمونه از گسست گسترده‌تر بین بن‌سازه‌های دیجیتال و بستر اجتماعی - سیاسی آنها است. پس از آن که بحران کووید-۱۹ تمام شد و حساب و کتاب بودجه‌ای آغاز شد، این شکاف گسترده‌تر نیز خواهد شد.

1.Irish Fiscal Advisory Council

بخش دوم

هماهنگی دیجیتال در دوران پسا کرونایی

BRETTON WOODS SYSTEM

بخش دوم

هماهنگی دیجیتال در دوران پساکرونایی

زیرساخت‌های دیجیتال موجود در جهان در حال تجربه کردن دگرگونی گسترده‌ای هستند. اگرچه ازدیاد و تکثیر شبکه‌های باز ویژگی موج اول بسط اینترنت بود، اما اکنون نوعی رقابت تسلیحاتی دیجیتال[1] در جریان است. رقابت بین پشته‌های نرم‌افزاری[2]، ظرفیت‌های جمع‌آوری داده و الگوهای کسب‌وکار دیجیتال در حال ایجاد تقابل‌هایی بین اقتصادهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوظهور و نیز در داخل کشورها، صرف نظر از دموکراتیک یا اقتدارگرا بودن آنها، است. مسئله محوری معماری هسته‌ی اصلی خود اقتصاد دیجیتال است. پویایی‌های بنیادین چهارچوب فعلی اقتصاد دیجیتال در حال صدمه زدن به نهادهای حکمرانی جهانی هستند و کشورها و جوامع را مجبور می‌کنند که مجموعه جدیدی از ساختارهای قانونی، مقررات‌گذاری و اخلاقی را ایجاد کنیم. اگرچه رشد طبیعی اینترنت و اقتصاد دیجیتال تدریجی و تطوّری[3] به نظر می‌رسد، اما باید اذعان کنیم که اکنون در لبه‌ی تغییری انقلابی و بنیادین قرار داریم.

1.Digital arms race

2.Software stacks

در علم رایانش، پشته‌های نرم‌افزاری یا پشته‌های راه حل مجموعه‌ای از خرده‌نظام‌ها یا اجزای نرم‌افزاری هستند که برای ساخت یک بن‌سازه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

3.Evolutionary

پرسش‌ها پیرامون حکمرانی دیجیتال در کانون این مسئله که جهان پس از عالم‌گیری چگونه بازسازی می‌شود، قرار خواهند داشت. فناوری‌های دیجیتال و ویروس کرونا هر دو نشانه‌های عصری از ابرجهانی شدن[1] فاقد مدیریت مورد نیاز هستند و این عالم‌گیری مرزبندی اقتصادی، ژئوپلیتیک و فناورانه بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین را عمیق‌تر می‌کند. در سطح ملی، موضوعات متنوعی مشتمل بر توانایی دولت‌ها برای تامین منابع و تامین مالی سیاست‌های عمومی تا نگرانی‌ها نسبت به حریم خصوصی، آزادی‌های مدنی، امنیت و مباحث مرتبط با فناوری که پیش از بحران جاری در حال قرار گرفتن در دستور کار سیاسی بودند، اکنون حتی توجه فوری‌تری را مطالبه می‌کنند. روی هم رفته، دولت‌هایی که از دل تکانه اقتصادی جاری سر بر می‌آورند نیاز شدیدی به درآمد خواهند داشت. پس از این تعطیلی‌های گسترده، لازم خواهد بود فناوری‌هایی که کم و بیش یک شبه عمیقاً در زندگی ما جای گرفتند، مورد بررسی دقیق قرار گیرند. همان طور که جنجال‌های اخیر پیرامون خدمات ویدئو کنفرانسی زوم[2] نشان داد، سیاست‌گذاران باید به مباحثی نظیر محرمانگی داده‌ها، فناوری کنترل و مراقبت[3]، نابرابری‌های تعبیه شده در الگوریتم‌ها و یکپارچگی زیست‌بوم اطلاعاتی دقیق‌تر بپردازند. روشن است، وضع فعلی اقتصاد بن‌سازه‌ای که چندان مشمول مالیات نمی‌شود و تا حد زیادی عاری از نظارت است، دیگر قابل قبول نیست. درست

1.Hyper-globalization

ابرجهانی شدن یا جهانی شدن بیش از حد ناظر به نوعی از جهانی شدن است که در آن، شرکت‌های چندملیتی خود را ملزم به تبعیت از قوانین و مقررات دولت – ملت‌ها نمی‌بینند و از این امر سر باز می‌زنند.

2.Zoom

اخیراً مشخص شده است که نرم‌افزار زوم بدون اطلاع کاربران اطلاعات شخصی آنها را در اختیار شرکت‌ها و نهادهایی نظیر فیس‌بوک قرار داده است.

3.Surveillance technology

همانند دوران کوتاه بعد از جنگ جهانی دوم، جهان مجدداً با شکاف در حال گسترش بین چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش روی کشورها و طراحی نظام حکمرانی مورد نیاز برای مواجهه با این چالش‌ها روبرو شده است. بنابراین، زمان آن فرا رسیده است که به پیمان برتون وودز جدیدی برای دوران دیجیتالی پساکرونایی فکر شود.

بخش سوم

اقتصاد دیجیتال و تمرکز مجازی

BRETTON WOODS SYSTEM

بخش سوم

اقتصاد دیجیتال و تمرکز مجازی

در ابتدا، عمدتاً اینترنت به عنوان محیطی عاری از مرکزیت تعریف می‌شد. اما، اکنون چیزی که بیشترین اهمیت را دارد تمرکز داده‌ها و ظرفیت محاسباتی است. اقتصاد بن‌سازه‌ای، هوش مصنوعی، دولت کنترلگر[1]، رایانش کوانتومی همه و همه به مجموعه‌های داده بزرگ‌مقیاس نیاز دارند و همگی از گره‌های تاثیرگذاری[2] تمرکزیافته محافظت می‌کنند. این ظرفیت‌های جدید در حال ایجاد انقلاب در همه بخش‌های اقتصادی مهم، نظیر خدمات مالی، رسانه، بهداشت عمومی، حمل و نقل و کشاورزی هستند. اکنون، ظرفیت محاسباتی و تجزیه و تحلیل مبتنی بر هوش مصنوعی که بر مبنای زیرساخت دیجیتال جدید ایجاد شده‌اند، به اقتصاد جهانی نیرو می‌بخشند. اما، ظرفیت محاسباتی و تجزیه و تحلیل مبتنی بر هوش مصنوعی در حال متمرکز کردن تصمیم‌گیری و گسترش داده قدرت آنهایی هستند که داده‌ها را کنترل می‌کنند. این واقعیت جدید چالش‌های سیاستی جدیدی را ایجاد می‌کند، زیرا باعث ایجاد وضعیتی می‌شود که

1.Surveillance state
2.Nodes of influence

در آن برندگان تمام دستاوردهای اقتصادی را از آن خود می‌کنند. همچنین، این واقعیت جدید باعث ایجاد تمرکز تاثیرگذاری می‌شود. چنین تمرکزی نیز به نوبه خود باعث بی خاصیت شدن نهادهای دموکراتیک می‌گردد. ایجاد تهدیدهای امنیتی غیر منتظره برای کشورها و مردم از دیگر پیامدهای این واقعیت جدید است. به این ترتیب، بلوک‌های جغرافیای سیاسی کاملاً جدید شکل می‌گیرند. در حالی که اقتصاد صنعتی بر مبنای تولید، مبادله و مصرف کالاهای ملموس شکل گرفته بود، اقتصاد دیجیتال بر مبنای تولید، جمع‌آوری و صیانت از اطلاعات ایجاد می‌شود. این نظام اقتصادی بر مبنای نظام کاملاً جدیدی از انگیزه‌ها و محرک‌ها برای تولید و نوآوری و نیز ستاندن و توزیع کردن عواید مالی فعالیت می‌کند. در چنین اقتصادی، غالباً منشاء ارزش نه در تولید یا مبادله، بلکه در حقوق ناشی از مالکیت فکری است. در واقع، در حال حاضر، مالکیت فکری با در اختیار داشتن ۸۴ درصد از کل ارزش شرکت‌های مندرج در فهرست شرکت‌های شاخص اس‌اندپی ۵۰۰[1] ارزشمندترین دارایی جهان است.

این ناترازی در انفکاک بین نهادهای حکمرانی مالی موجود و بخش واقعی اقتصاد انعکاس یافته است. درست همان طور که توافق‌نامه‌های تجاری تمشیت‌کننده‌ی دارایی‌های ملموس تلاش می‌کنند بازارهای خارجی ایجاد کنند و به صرفه‌های نسبت به مقیاس دست یابند، حکمرانی دارایی‌های غیرملموس نیز باید روی صیانت از دارایی فکری و داده تمرکز کنند. اما، رویکرد بی حساب و

1.S&P 500

کتاب رایج نسبت به حکمرانی اقتصاد دیجیتال شکاف‌های جغرافیای سیاسی را تقویت کرده است. جمهوری خلق چین، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا هر یک دارای نظاماتی مجزا با هنجارها، رژیم‌های مقررات‌گذاری، ارزش‌ها و منافع شرکتی و ملی هستند و این نظامات با یکدیگر سازگاری ندارند. برای نمونه، چین برای حفاظت از مبارزان اصلی خود در عرصه فناوری، نظیر بایدو[1]، تنسنت[2] و علی‌بابا، نوعی دیوار آتش ایجاد کرده است و در حال حاضر، به آنها کمک می‌کند تا از طریق ابتکار کمربند و راه[3] جایگاه جهانی خود را ارتقا دهند. این کشور حتی برای کمک به سایر دولت‌های اقتدارگرا جهت حفظ کنترل اجتماعی و اقتصادیشان، آنها را با فناوری‌های پیشرفته تجهیز می‌کند. به موازات گسترش قدرت نرم چین از طریق ارسال ملزومات درمانی در دوران عالم‌گیری کرونا، شاهد همگرایی اهداف راهبردی و زیرساخت‌های دیجیتال این کشور به سمت هم هستیم. شاید تجهیزات ایمنی شخصی و سایر پشتیبانی‌های اضطراری ارائه شده توسط چین به فرانسه یا کانادا تفکر این کشورها در مورد نحوه اعطای قراردادهای اینترنت نسل پنجم را تغییر دهد.

آمریکا نیز از طریق ایجاد قواعد بین‌المللی مد نظر خود در ارتباط با اشتراک‌گذاری و جمع‌آوری داده‌ها، حکمرانی بن‌سازه‌ها و مالکیت فکری به شکل تهاجمی از شرکت‌های فناوری خود، به ویژه فیس‌بوک، آمازون، گوگل، نت‌فلیکس[4]، مایکروسافت و اپل، حمایت

1.Baidu
2.Tencent
3.Belt and Road Initiative
4.Netflix

می‌کند. موافقت‌نامه بین ایالات متحده آمریکا، مکزیک و کانادا تازه‌ترین نمونه از تلاش‌های آمریکا در این جهت است. البته، آمریکا در سایر حوزه‌ها از رویکرد مقررات‌گذاری مبتنی بر بازار آزاد[1] استفاده می‌کند. در نهایت، اتحادیه اروپا، که فاقد هر گونه شرکت فناوری رقابت‌پذیر در عرصه جهانی است، مشغول کار بر روی استانداردها و مقررات، رژیم‌های حقوق داده و سیاست‌های ضد انحصاری بوده است. اتحادیه اروپا امیدوار است که موارد مذکور را به عنوان نوعی از تاثیرگذاری جهانی و ایجاد بازار عملیاتی کند و در جهان رواج دهد. در پس این رقابت‌ها و تخاصمات مباحث مهمی وجود دارند که حکمرانی بین‌المللی را طلب می‌کنند. ما به مجمعی نیاز داریم تا از طریق آن تنش‌ها بین آزادی بیان و حریم خصوصی برخط و اکنون بین حفاظت از حریم خصوصی و نیاز به کنترل و مراقبت برای ردیابی گسترش بیماری‌های مسری، توازن و در حالت مطلوب، آشتی برقرار کنیم. افزون بر این، نحوه مواجهه درست با چالش‌های مرتبط با حکمرانی دارایی‌های ملموس و غیرملموس، حقوق فردی و حفاظت جمعی و انگیزه نوآوری در برابر نیاز به مقررات مناسب و مالیات‌ستانی درست نیز باید در دستور کار چنین مجمعی قرار گیرد.

1.Laissez-faire

بخش چهارم

ضرورت برگزاری برتون وودز دیجیتال

BRETTON WOODS SYSTEM

بخش چهارم

ضرورت برگزاری برتون وودز دیجیتال

مسئله این است که نهادهای جهانی فعلی برای جهان متفاوتی ساخته شده بودند. وقتی رهبران جهان در جولای ۱۹۴۴ در برتون ودز ایالت نیو همشایر گرد هم آمدند، روی طراحی نظام نهادی جهانی برای متوقف کردن جنگ بین کشورها و برای تنظیم کردن نحوه کارکرد اقتصاد ملموس اتفاق نظر داشتند. اما آن نظام برای جهانی از مرزها، تولید صنعتی و تجارت کالاهای پایه[1] و کالاهای صنعتی‌ساز[2] مناسب بود. هیچ یک از این موارد مسئله‌ی دنیای دیجیتال نیست. همان طور که از دوره دیگری از بی‌ثباتی جهانی عبور می‌کنیم، مثل گذشته به چهارچوب حکمرانی جدیدی نیاز داریم. البته با توجه به آنچه در جریان است، یک گزینه پذیرفتن پیچیدگی و چالش‌های فناورانه مقررات‌گذاری سپر دیجیتالی به سرعت در حال تغییر و واگذار کردن حکمرانی به خود بن‌سازه‌ها است. با توجه به پیدایش پرداخت‌های دیجیتال و محتوای برخط، پیش از این عملیاتی شدن همین گزینه شروع شده است. برای نمونه، ابتکار لیبرای[3]

1.Commodities
2.Manufactured goods
3.Libra

فیس‌بوک و شورای جدید تعدیل محتوای[1] این شرکت گواه سطوح بالایی از خودحکمرانی شرکتی در حوزه‌هایی است که تا همین اواخر، اختیارات دولت در آنها بدون ابهام و بدون چالش به نظر می‌رسد. البته، ممکن است پذیرش خودحکمرانی[2] اشتباهی محض و حتی خطرناک باشد. عالم‌گیری کووید-۱۹ ضرورت دسترسی مقامات دولتی به داده‌های دقیق و به موقع را نشان داد. تنها در این صورت است که آنها می‌توانند برای تامین کالاهای عمومی مداخلات لازم را انجام دهند و از این که گمراه‌سازی باعث تشدید وخامت اوضاع شود، جلوگیری کنند. با وجود این و به رغم تلاش‌های قابل ملاحظه برای مهار اطلاعات غلط درمانی طی عالم‌گیری اخیر، انگیزه‌های مالی شرکت‌های بزرگ فناوری با منافع عمومی تعارض داشت. گذشته از این، مهار اطلاعات غلط روی بن‌سازه‌های دیجیتال هرگز مربوط به متوقف کردن بازیگران بد یا تصمیمات فردی اشخاص برای تعدیل محتوا نبوده است. بلکه این تلاش‌ها همواره مربوط به طراحی و انگیزه‌های مالی خود بن‌سازه‌ها بوده است. هرگز نمی‌توان از نظامی که تحت سلطه چند شرکت معدود آن هم در دو کشور است انتظار داشت که از کالای عمومی جهانی حفاظت کند. پرداختن به آسیب‌پذیری ساختاری به حکمرانی نیاز دارد، نه نیت خیر. با توجه به چالش‌های ناشی از زیرساخت‌های دیجیتال جدید، آشکار است که تنها گزینه ایجاد نهادهای حکمرانی جهانی جدید است. نقطه شروع مشخص است. جامعه بین‌المللی باید برای ترسیم

1.Content-moderation council
2.Self-governance

چشم‌انداز، ایجاد «قواعد بازی» و طراحی معماری نهادی بین‌المللی برای عصر جدید، مجمعی را ایجاد کند. همچنین، بر خلاف سال ۱۹۴۴، وقتی برندگان جنگ جهانی دوم و چند هیئت معدود از مناطق و کشورهایی فقیرتر تمام صندلی‌ها در میز مذاکرات را اشغال کرده بودند، اکنون می‌توان چنین مباحثی را در مجمع واقعاً جهانی، یعنی گروه ۲۰، برگزار کرد. اعضای گروه ۲۰، حدود ۹۰ درصد تولید ناخالص جهانی، ۸۰ درصد تجارت و دو سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. همان طور که بحث جاری در سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد، هدف ایجاد صرف نهادها و فرآیندهای جدید نیست، بلکه بازتعریف اهداف و تقویت نهادهای موجود در موارد که اقتضا می‌کند، نیز هست.

بخش پنجم

پنج محور
دستور کار برتون وودز دیجیتال

BRETTON WOODS SYSTEM

بخش پنجم

پنج محور دستور کار برتون وودز دیجیتال

دستور کار برتون وودز دیجیتال باید پنج محور را در بر گیرد. اولاً، با توجه به نابرابری موجود در دسترسی به داده و ظرفیت‌های تحلیلی و وجود قابلیت گسترده در سوء استفاده از آن، به اعلامیه‌ای جهان‌شمول در خصوص هوش مصنوعی نیاز است. الگوریتم‌ها از نظام‌های ارزشی تاثیر می‌پذیرند. داده‌هایی که الگوریتم‌ها مبتنی بر آنها هستند و فرمول‌هایی که تصمیمات الگوریتم‌ها را شکل می‌دهند، غالباً متاثر از تمایلات تاریخی و اجتماعی طراحان آنها هستند. در این خصوص می‌توان به همان روشی که محافظت از افراد از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر موافقت‌نامه‌ها جهان‌شمول شد، نوعی چهارچوب اخلاقی برای الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی را جهان‌شمول کرد. همان طور که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، چنین تعهداتی با همه جزییات آنها مورد تایید همه کشورها قرار نخواهد گرفت. با وجود این، این تعهدات نوعی استاندارد جهانی ایجاد می‌کنند. اعلامیه جهان‌شمول در خصوص هوش مصنوعی، به

عنوان چهارچوبی برای «شناسایی و محکومیت» موارد نقض‌کننده و در نهایت به مثابه سازوکاری برای اعمال جرایم، چیزی شبیه به دیوان دادگستری بین‌المللی[1]، به مثابه راهنمایی برای قانون‌گذاری ملی و پایین‌تر از سطح ملی[2] عمل خواهد کرد. بر مبنای رژیم حقوق بشر بین‌الملل، تعهدات مشابه‌ای برای پیگیری پوشش بهداشت همگانی و حمایت از کودکان به وجود آمده است. موضوع مهم طراحی و پیاده‌سازی الگویی خاص نیست، بلکه نیت پشت آن است که اهمیت دارد. اعلامیه مربوط به هوش مصنوعی باید اجماع هنجاری گسترده‌ای را ایجاد کند و باید توسط بیشترین تعداد کشور ممکن امضا شود. در این ارتباط، بیانیه اخیر کشورهای گروه هفت در خصوص هوش مصنوعی نقطه عزیمت خوبی برای برگزاری مباحثه‌ی جهانی‌تر پیرامون مباحث اخلاقی پشتیبان فناوری‌های تحول‌آفرین به طور کلی و هوش مصنوعی به طور خاص را فراهم می‌کند. ثانیاً، برای غلبه بر بالکانیزه شدن[3] جغرافیایی حکمرانی داده به مجمعی جدید برای هماهنگی دیپلماتیک و جهانی نیاز است. قلمرو دولت‌محور[4] چین و قلمرو بنگاه‌محور[5] آمریکا دو روی یک سکه هستند. در هیچ یک از آنها حاکمیت[6] یا کنترل بر داده‌های شخصی در اختیار افراد نیست. در مقابل، مقررات عمومی صیانت از داده‌ی[7] اتحادیه اروپا در مباحث مرتبط با محرمانگی و استفاده از داده، سطح بالاتری از کنترل را به افراد می‌دهد. از منظر بین‌المللی، مهم‌ترین مسئله این است که این سه

1.International Court of Justice
2.Subnational
3.Balkanization
5.Firm-centric
6.Sovereignty
7.General Data Protection Regulation

قلمرو نمی‌توانند با یکدیگر «گفتگو» کنند. در نتیجه، هیچ یک از شرکت‌های فعال در حوزه فناوری واقعاً نمی‌تواند جهانی باشد، زیرا تبعیت از قواعد یک قلمرو بدون نقض قواعد دو قلمرو دیگر ممکن نبوده است. این وضعیت باعث کژکاری، افزایش هزینه‌های معامله و از دست رفتن اعتبار بنگاه‌ها و دولت‌ها می‌شود. شهروندان در هر یک از قلمروها حق دارند که بپرسند که آیا واقعاً این مجموعه از قواعد و پرتکل‌ها به نفع آنها هستند یا خیر. در این وضعیت، مسئله هند، کانادا، ژاپن، استرالیا و انبوهی از دیگر کشورها نیز وجود دارد. این کشورها رها شده‌اند تا قواعد ترکیبی خود را وضع کنند یا خود را ذیل یکی از سه قلمرو مذکور تعریف کنند. روشن است که دیپلماسی جهانی در اولویت است. اعلام دیدگاه‌های متقابل و جستجو برای یافتن زمینه‌های مشترک دقیقاً موضوع کنفرانس برتون وودز اصلی بود. هیئت‌های نمایندگی کشورها در میان انبوهی از مباحث دیگر، در مورد نرخ‌های مبادله ارزها و تجارت جهانی مباحثه کردند. امروز، وقتی نوبت به بحث مدیریت داده می‌رسد، باید نحوه تعیین موازنه بین افراد، بنگاه‌ها و دولت مشخص شود. این فرآیند راحت نخواهد بود و احتمالاً نتیجه نیز چندان بدون نقص نخواهد بود. اما، این ماهیت مصالحه است. سیاست مبتنی بر قدرت[1] و ویژگی‌های شخصیتی فردی بر نتیجه تاثیر خواهند گذاشت. اما، در نهایت آنچه اهمیت دارد، دستیابی به مجموعه‌ای از ایده‌های انتزاعی مطلوب نیست، بلکه مهم این

1.Power politics

است که آیا وضعیت فعلی کژکار و ناپایا بهتر شده است یا خیر. ثالثاً، برای پرداختن به مسئله آربیتراژ مالیاتی شرکت‌های چندملیتی که ارزش‌شان تا حد زیادی از دارایی‌های غیرملموس مشتق می‌شود، باید رژیم جهانی جدید ایجاد شود. جولای گذشته، فرانسه به طور یکجانبه تصمیم گرفت روی خدمات دیجیتال ۳ درصد مالیات وضع کند. عملاً، این تصمیم به طور مستقیم شرکت‌های معظم آمریکایی حوزه فناوری را هدف قرار می‌داد. اما، در همین حین، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در حال توسعه چهارچوبی چندجانبه بوده است که می‌تواند بدون تبعیضی آشکار علیه بنگاه‌های خاص از فرار مالیاتی آنها جلوگیری کند. با وجود این، مسئله مالیات‌ستانی به موضوع درآمدها محدود نمی‌شود. فناوری‌های دارای حقوق انحصاری، که اغلب آنها در قطب‌های معدودی در کل جهان خلق می‌شوند، پیشران اقتصاد دیجیتال هستند. اعطای امتیازات ویژه به بنگاه‌های پیش‌گام، رفتار راهبردی و صرفه‌های ناشی از فعالیت چندرشته‌ای[1] در ذات اقتصاد مبتنی بر نوآوری قرار دارد. در نتیجه و به رغم آن که مسائل ناشناخته فراوانی در مورد آینده وجود دارد، روشن است که در نبود پاسخ‌های سیاستی معنی‌دار، وضعیت نابرابری درآمدی و ثروتی، هم در داخل کشورها و هم بین کشورها، بدتر خواهد شد. چون بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی‌های فکری توسط شرکت‌های چندملیتی ایجاد می‌شود، عواید حاصل از پیشرفت‌های فناوری

1.Economies of agglomeration

نیز نصیب این شرکت‌ها می‌شود. اگرچه در سال‌های اخیر روند اخذ مالیات به سمت مالیات بر مصرف بوده و از مالیات‌ستانی از شرکت‌ها فاصله گرفته شده است، ماهیت اقتصاد دیجیتال گویای این مطلب است که این روند باید معکوس شود. رانت‌های بسیار بزرگ شرکت‌های چندملیتی بزرگ، قدرتمند و هوشمند باعث قرار گرفتن کاهش پایه مالیاتی و تغییر مالیات بر سود در دستور کار شده‌اند. اما، راهکارهای این مسئله به همکاری فرامرزی به مراتب بیشتری نیاز دارد. در زمانی که دولت‌های سراسر جهان برای سر پا نگهداشتن اقتصادهایشان در میانه تعطیلی‌های ناشی از عالم‌گیری کرونا زیر بار سطوح بی‌سابقه‌ای از بدهی می‌روند، هر منبع درآمدی ارزشمند خواهد بود. بیش از این نمی‌توان به طرح‌های آربیتراژی هوشمندانه‌ای که باعث می‌شود حجم قابل ملاحظه‌ای از ثروت مشمول مالیات نشود، اجازه بقا داد. رابعاً، برای اندازه‌گیری ابعاد اقتصاد دیجیتال و غیرملموس به تعاریف استاندارد شده جهانی نیاز است. این موضوع به محور قبلی هم مرتبط است. رویه‌های آماری ملی جاری نه تنها با یکدیگر هماهنگی ندارند، بلکه اصلاً کار نمی‌کنند. درست همان طور که نظام حساب‌های ملی پیشنهادی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۴۷ آغاز شد، باعث سازگاری در آمارهای اقتصادی مهم شد، رویه بین‌المللی در مورد آمار دوران دیجیتال کالای عمومی جهانی مشابهی را فراهم می‌کند. چنین رویه‌ای مبنای تحقیقات، سیاست‌گذاری‌ها و

اقدامات مدنی خوب را نیز فراهم خواهد کرد. درست مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، مداخلات سیاستی تنها تا جایی خوب خواهند بود که داده‌ها امکان مداخله اثربخش و کارا را فراهم می‌کنند. در نهایت، جهان به نهادی مشخص برای هماهنگی سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری نیاز دارد. رویکرد سهل‌گیرانه جاری نسبت به مقررات‌گذاری دیجیتال شباهت‌های ترسناکی با مقررات‌گذاری بخش مالی در بسیاری از کشورهای غربی قبل از بحران مالی سال ۲۰۰۸ دارد. آن فاجعه باعث ایجاد هیئت ثبات مالی[1] و سایر نهایی شد که اکنون مقررات‌گذاری صنعت بانکداری در سطح جهانی را تقویت و هماهنگ می‌کنند. مرکز نوآوری حکمرانی بین‌المللی[2] با الهام از تجربه هیئت ثبات مالی پیشنهاد کرده است که برای شکل‌دهی به استانداردها، مقررات و سیاست‌های جهانی در حوزه اقتصاد بن‌سازه‌ای هیئت ثبات دیجیتال[3] ایجاد شود. این نهاد جدید می‌تواند در خصوص بهترین رویه‌ها[4] و نیز بینش‌ها در مورد اقدامات مرتبط با مقررات‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های لازم برای پرداختن به موقع به آسیب‌پذیری‌ها مشاوره ارائه دهد. این نهاد می‌تواند ریسک‌های ناشی از فناوری‌های جدید، از جمله تاثیر آنها بر جوامع مدنی را رصد کند و مداخلات مقرراتی و سیاستی لازم برای پرداختن به آنها را بسط دهد. همچنین، این نهاد می‌تواند اطمینان ایجاد کند که تلاش‌هایش کار سایر نهادها، نظیر سازمان تجارت جهانی، را تکمیل می‌کند. افزون بر این، خود نظام تجارت جهانی نیز به قواعد جدیدی که

1.Financial Stability Board
2.Centre for International Governance Innovation
3.Digital Stability Board
4.Best practices

بازتاب‌هنده کلان‌داده‌ها و هوش مصنوعی باشد و نیز چهارچوب به‌روزشده‌ای که با استفاده از آن پیامدهای فناوری‌های جدید بر تجارت و تطابق با قواعد تجارت را ارزیابی کند، نیاز دارد. عالم‌گیری کووید-۱۹ نقطه خوبی را برای شروع فعالیت هیئت ثبات دیجیتال یا نهادهای هماهنگی سیاستی جهانی مشابه ایجاد می‌کند. چرا که این نهاد می‌تواند با تمرکز بر مباحث مرتبط با بخش بهداشت و داده‌های حوزه بهداشت فعالیت خود را آغاز کند.

جمع بندی

تاملی درباب پیشنهاد
«برتون وودز دیجیتالی پساکرونایی»

BRETTON WOODS SYSTEM

جمع‌بندی

زیرساخت‌های دیجیتال نوظهور روی هم رفته لایه جدیدی از ظرفیت عملیاتی در نظام بین‌المللی را ایجاد کرده‌اند. این زیرساخت‌ها انواع جدیدی از اقدام جمعی و ارتباط یکپارچه در مقیاسی جهانی را ممکن ساخته‌اند. اگرچه این ظرفیت‌ها فواید فراوانی، نظیر توانمند کردن جنبش‌های مدنی جدید، بهبود فراگیری اجتماعی و سیاسی و افزایش رشد درآمد، را به همراه داشته‌اند، اما هزینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز به دنبال داشته‌اند. برای نمونه، بن‌سازه‌های دیجیتال برای پاشیدن بذر بی‌اعتمادی و سازمان‌دهی گروه‌های افراطی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. سخنرانی‌های زیان‌آور هم تقویت می‌شوند و هم مخاطبان آسیب‌پذیر و الهام‌پذیر را هدف قرار می‌دهد. در ایالات متحده آمریکا، ظاهراً این نوع از قبیله‌گرایی باعث شد حوزه‌های انتخابیه‌ی متمایل به حزب جمهوری‌خواه، هشدارهای اولیه در مورد عالم‌گیری کووید-۱۹ را جدی نگیرند و از انجام اقدامات لازم برای محدود کردن شیوع آن خودداری کنند. به نظر می‌رسد

پیشرفته‌ترین الگوریتم‌ها در خدمت نژادپرستی‌های قدیمی و گرایش‌های جنسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند.
بن‌سازه‌های دیجیتال در حال تقویت تضادهای سیاسی و تضعیف گفتمان عمومی نیز هستند. رژیم‌های غیرلیبرال و خودکامه برای تضعیف نهادهای دموکراتیک و انتخابات‌ها و نیز سرکوب آزادی بیان و فعالیت‌های سیاسی فناوری‌های جدید را به خدمت گرفته‌اند. این روند نیز با عالم‌گیری کووید-۱۹ شتاب گرفته است. برای نمونه، در مجارستان، نخست وزیر ویکتور اوربان[1] برای قبضه کردن قدرت تقریباً مطلق برای دوره‌ای نامحدود از بحران فعلی کمال استفاده را برده است. به طور مشابه، در سپهر اقتصادی، به موازات ظهور انحصارات جهانی جدید نابرابری در حال تعمیق است و عالم‌گیری کووید-۱۹ تاثیرات واقعی نابرابری‌های درآمدی و ثروتی موجود را به تسکین‌های شدید تقلیل داده است. مدیریت این تحولات مستلزم رویکردهای غیرمتعارف به مقوله حکمرانی است. یکی از نکات امیدوارکننده مرتبط با عالم‌گیری ویروس کرونا این است که فضایی را برای ایده‌های جدید ایجاد کرده است، به طوری که حتی ذینفعان قدیمی وضع موجود اکنون از سیاست‌هایی نظیر درآمد پایه همگانی[2]، که تا کنون به عنوان سیاست‌های افراطی شناخته می‌شدند، پشتیبانی می‌کنند. تمثیل برتون وودز بی‌نقص نیست و پنج محور دستور کاری که در اینجا توصیف شد نیز نه کافی هستند و نه جامع. بر خلاف دوران بعد از جنگ جهانی دوم، طرف پیروز دنیای امروز مشخص نیست، هیچ اجماعی در خصوص اقتصاد سیاسی وجود ندارد و هیچ آرزوی جهانی قدرتمندی برای صلح و ثبات پس از دهه‌ها ناآرامی مشاهده نمی‌شود. با وجود این، همانند آن دوران، بین ماهیت و مقیاس چالش‌ها و طراحی و ظرفیت رژیم حکمرانی

1.Viktor Orban
2.Universal basic income

جهانی موجود شکاف آشکاری وجود دارد. همچنان که از تکانه وارده دیگر به نظام جهانی موجود عبور و با سرعت در مسیر جدیدی از تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فناورانه حرکت می‌کنیم، به فوریت لازم است الگوی حکمرانی را به‌روز کنیم. مثل اقتصاد صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، به الگویی مانند برتون وودز نیاز داریم که پیامدهای منفی انقلاب دیجیتال را کاهش دهد و دوران جدیدی از پیشرفت مشترک و بهداشت عمومی را به وجود آورد.

منابع

BRETTON WOODS SYSTEM

Medhora, R. P., & Owen, T. (2020, April 17). A Post-COVID19- Digital Bretton Woods. Retrieved from Project Syndicate: https://www.project-syndicate.org/onpoint/digital-bretton-woods-new-global-governance-model-by-rohinton-p-medhora-and-taylor-owen04-2020-?utm_source=Project+Syndicate+Newsletter&utm_campaign=e1e626d16f-op_newsletter_17_04_2020&utm_medium=email&utm_term=0_

پیوست

کنفرانس برتون وودز و نظام حکمرانی مبتنی بر آن

BRETTON WOODS SYSTEM

پیوست

کنفرانس برتون وودز و نظام حکمرانی مبتنی بر آن[1]

کنفرانس برتون وودز، که به طور رسمی با عنوان کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل متحده[2] شناخته می‌شود، گردهمایی هیئت‌های نمایندگی از ۴۴ کشور عضو محور متفقین در جنگ جهانی دوم و کشورهای همسو با این محور بود که در سال ۱۹۴۴ در برتون وودز ایالت نوهمشایر ایالات متحده آمریکا برگزار شد. هدف از برگزاری این کنفرانس مقررات‌گذاری نظم پولی و مالی بین‌المللی[3] بعد از پایان جنگ جهانی دوم بود. بر اساس موافقت‌نامه‌هایی که در این کنفرانس به امضا رسیدند و پس طی رویه‌های قانونی در کشورهای عضو مورد تائید قرار گرفتند، صندوق بین‌المللی پول[4] و بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه[5] به عنوان ارکان حکمرانی پولی و مالی بین‌المللی ایجاد شدند. هدف اصلی از ایجاد صندوق بین‌المللی پول پشتیبانی از ثبات نرخ‌های برابری ارزها و جریان‌های مالی بین کشورها بود. هدف از ایجاد بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه نیز بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم و پشتیبانی از توسعه اقتصادی، به ویژه

۱.مطالب مندرج در پیوست، در یادداشت «برتون وودز دیجیتال پساکرونایی» مدهورا و اون وجود ندارد و توسط تهیه‌کننده گزارش حاضر و با هدف ارائه توضیح مختصری در مورد کنفرانس برتون وودز و نظام منبعث از آن نگاشته شده است.

2.United Nation Monetary and Financial Conference
3.International monetary and financial order
4.International Monetary Fund (IMF)
5.International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)

از طریق اعطای وام برای ایجاد زیرساخت‌ها بود. بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه اولین نهادی مالی از پنج نهاد مالی است که بعدها با عنوان گروه بانک جهانی[1] شناخته شدند. چهار نهاد مالی دیگر عبارتند از اتحادیه توسعه بین‌المللی[2]، شرکت تامین مالی بین‌المللی[3]، سازمان چندجانبه ضمانت سرمایه‌گذاری[4] و مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری[5]. بعضاً بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه و اتحادیه توسعه بین‌المللی مشترکاً بانک جهانی نامیده می‌شوند. بعضاً، به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نهادهای منبعث از کنفرانس برتون وودز[6] گفته می‌شود. نظام منبعث از کنفرانس برتون وودز[7] و نهادهای مبنعث از این کنفرانس عملاً کمک کردند که دلار ایالات متحده آمریکا به مهم‌ترین پول ذخیره[8] جهان بعد از جنگ جهانی دوم تبدیل شود. تا کنون، هژمونی دلار منافعی زیادی برای آمریکا به دنبال داشته است. برای نمونه، این کشورها برای دهه‌های اخیر توانسته است کسری تراز تجاری خود را از این طریق تامین مالی نماید. همچنین، این کشور با هدف برتری خود در جهان و با اتکا به قدرت مالی خود جنگ‌های اقتصادی و مالی بسیاری را بر کشورهای مختلف تحمیل کرده است.

1.World Bank Group
2.International Development Association (IDA)
3.International Finance Corporation (IFC)
4.Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)
5.International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)
6.Bretton Woods institutions
7.Bretton Woods System
8.Reserve currency

مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی
csri.majazi.ir